«زندگی پس از زندگی» این روزها با وجود پخش از شبکه ۴ و داشتن بودجه محدود توانسته پربیننده و موفق شود

در ستایش مرگ آگاهی

سیدمهدی موسوی‌تبار
روزنامه‌نگار

«برنامه خوب دیده می‌شود»؛ معلوم نیست اولین بار این جمله را چه کسی گفته است اما گذشت زمان و دیدن نمونه‌های موفق، صحت این فرضیه را اثبات می‌کند. حتی گفته شده برای ساختن برنامه خوب هم الزاما نباید هزینه‌های هنگفت و دکورهای میلیاردی نصب کرد و چهره‌های مشهور را به‌کار گرفت. یکی از برنامه‌هایی که تازه پایش به آنتن تلویزیون باز شده و توانسته هر دو گفته را تا حد بالایی سربلند کند برنامه «زندگی پس از زندگی» از شبکه چهار سیماست. برنامه‌ای که دو سال است آمده و در همین مدت کوتاه و به‌طور خاص توانسته در سال جاری، مخاطبان زیادی را پای خود بکشاند. نگاهی به آمارهای بازدیدکنندگان این برنامه در تلوبیون و همین‌طور مشاهدات و البته گفت‌وگوهای غیررسمی نشان می‌دهد که آمار مخاطبان این برنامه با برخی از سریال‌های تلویزیونی تقریبا برابری می‌کند. نکته جالب اینکه این برنامه از شبکه چهار پخش می‌شود و ساعت پخش آن هم حوالی ساعت ۱۸:۳۰ دقیقه است. تبلیغات زیادی هم از آن در رسانه ملی و فضای مجازی نمی‌بینیم و اصطلاحا گوشه‌ای نشسته و مشغول کار خودش است. شاید بتوان گفت که موضوع «زندگی پس از زندگی» درباره عالم غیب و تجربه‌های زندگی پس از مرگ و اعتقاد به عالم دیگر و اینها باشد اما واقعیت این است که این برنامه درباره زندگی است. زندگی‌ای که ادامه دارد و مرگ تنها یک توقفگاه است و پس از آن هم زیستن ادامه خواهد داشت. یکی از ویژگی‌های مثبت و بارز این برنامه ریتم تند و جذاب آن است؛ طوری که از تعارفات معمول و کلیشه‌ای برنامه‌های دیگر در آن خبری نیست و استفاده صحیح و درست از تدوین و موسیقی و تصویر، از یاد مخاطب می‌برد که به اندازه یک مسابقه فوتبال، پای این برنامه نشسته و اصلا حواسش به گذر ساعت نبوده است. تمرکز روی خرد و تعقل بیننده به جای احساساتش و ترویج امید به معنای واقعی و تلاش آشکار برای نرفتن به سمت نصیحت و توصیه مخاطبان از ویژگی‌های مثبت این برنامه است. «زندگی پس از زندگی» بار دیگر نشان داده که مخاطب به جای دکورهای سنگین و گرانقیمت و تماشای یک فرم پرهزینه و عجیب، ترجیح می‌دهد که داستان را در فرم صحیحش بشنود. این برنامه هرچند در فهرست برنامه‌های گفت‌وگومحور قرار می‌گیرد اما از آن دست برنامه‌هایی نیست که صرفا دو صندلی را روبه‌روی دوربین کاشته باشند و یک‌ریز و ممتد حرف بزنند. استفاده از آیتم‌های مرتبط، متنوع و مختلف، تمرکز و توجه بیشتر روی میهمان تا مجری و مهم‌تر از آن هدف‌گذاری عام‌تر مخاطب و محدود نکردن آن صرفا به مسلمان و شیعه، از دلایل موفقیت و وجه تمایز این برنامه کم‌هزینه با برنامه‌های دیگر است. این برنامه می‌تواند الگو و نمونه موفقی برای سایر شبکه‌های تلویزیون باشد که اسیر فضای سانتی‌مانتال و فرم‌زده امروز نشوند و ببینند و باور کنند که می‌شود با یک بالانس مناسب بین فرم و محتوا و همچنین احترام به چشم و گوش و وقت مخاطب و نه صرفا پرکردن کنداکتور، یک برنامه موفق و البته کم‌هزینه ساخت. با توجه به استقبالی که تاکنون شده و همچنین سبد نسبتا خالی تلویزیون از برنامه‌های خوب، پیش‌بینی می‌شود که فصل سوم این برنامه هم به‌زودی ساخته شود اما امیدواریم که این برنامه دچار تکرار نشود و همچنین دایره تجربه‌گرها و موضوعات گسترده‌تر شود و البته که مورد حمایت بیشتری از طرف سازمان صداوسیما قرار بگیرد.

تاکنون دو فصل از «زندگی پس از زندگی» به تهیه‌کنندگی و اجرای عباس موزون روی آنتن رفته است و داستان ساختن و پخش آن و همچنین نحوه انتخاب افراد و راستی‌آزمایی آنها حکایات جالبی دارد که در گفت‌وگو با وی به آنها پرداخته‌ایم.

* * *

برنامه «زندگی پس از زندگی» که به نظرم عنوان هوشمندانه‌ای هم دارد در جذب مخاطب موفق بوده است. با اینکه شبکه ۴ شبکه مهجوری است اما این برنامه در ابعاد گسترده‌ای دیده شده است. عمر پخش این برنامه ۲ سال است اما عمر ایده و ساخت آن چقدر است و به چه زمانی مربوط می‌شود؟

سابقه شکل‌گیری برنامه به حدود ۲۴ یا ۲۵ سال پیش بر می‌گردد که آن موقع من با اصل این تجربه‌ها و این پدیده آشنا شدم. آن موقع اینترنت یا نبود یا خیلی ضعیف بود بنابراین بیشتر منابع کتابخانه‌ای را استفاده می‌کردم. خیلی در مورد تجربه‌ها کتاب ترجمه نشده بود تا اینکه بعدها اینترنت پدیدار شد و منابع دست اول و تجربه‌ها را از اینترنت استفاده می‌کردم و این به‌عنوان یک تحقیق و علاقه شخصی خودم بود. سال‌ها و همیشه به این فکر بودم که ما اگر یک مجموعه تلویزیونی با این موضوع در کشور داشته باشیم خیلی خوب است. تا اینکه سال ۹۵ زمینه‌ای فراهم شد و کانالی با نام «زندگی پس از زندگی» که آن موقع هم این اسم را داشت تاسیس کردم و در این کانال من با آقای زمانی قلعه، یکی از تجربه‌گران که در فصل اول برنامه هم بودند آشنا شدم و تلاش کردم ایشان را راضی کنم که به‌عنوان اولین نفر درباره تجربه‌شان گفت‌وگو کنم. ایشان راضی نمی‌شدند و دلایل مختلفی داشتند مثل قضاوت شدن، برداشت اشتباه یا احتمال ناقص بیان شدن موضوعات. به اشکال مختلفی هرکدام از دغدغه‌ها را خدمت‌شان عرض کردم که با چه راهکاری و به چه شکلی می‌شود اینها را پوشش داد. من برای نوشتن کتاب درباره این تجربه‌ها هم اقدام کردم.

اولین قسمت از این برنامه که تلویزیون قبول و پخش کرد چه زمانی بود؟ برای پخش زندگی پس از زندگی از همان اول با شبکه ۴ صحبت کردید یا با شبکه‌های دیگر هم صحبت کردید؟

ضبط نخستین سکانس مستند زندگی پس از زندگی با موضوع تجارب مرگ تقریبا مربوط به ۱۹ شهریور سال ۹۷ می‌شود. اولین قسمت آن هم اواخر سال ۹۹ پخش شد.

چرا با این تاخیر پخش شد؟

دو سال‌ونیم فقط ضبط آن طول کشیده است. زیرا من با هزینه شخصی فصل اول را درست کردم و با هیچ‌جایی هم برای ساخت و پخشش صحبت نشده بود. کاملا شخصی بود و حتی مجوز ضبط و اینها هم از جایی نداشتم. نماهای داخلی را بیشتر می‌گرفتم و نماهای بیرونی هم درحدی که مقدور بود. نه توافقی بود نه مجوزی و نه هیچ‌سفارشی. به خاطر همین هم دو سال‌ونیم طول کشید و من باید شهربه‌شهر و روستابه‌روستا می‌رفتم و فرد را پیدا می‌کردم و روالش بسیار طولانی و سخت بود. تعداد کانالی که عرض کردم به لطف خدا جمعیتش زیاد شد و به‌طوری موازی از طریق کانال و از طریق همایش با تجربه‌گران آشنا می‌شدم و شروع می‌کردم به راستی‌آزمایی و مراجعه و مصاحبه تا اینکه تعدادی را انتخاب کردم و می‌خواستم کتاب را بنویسم. وقتی تعدادی را انتخاب کردم اتفاقی افتاد که اتفاقش خیلی فیزیکی و مادی نیست و با اصرار همسرم کتاب را رها کردیم و ترجیح دادیم بپردازیم به تولید محتوای تصویری. اگرچه تریبونی برای پخشش سراغ نداشتیم و کسی از ما نخواسته بود و احتمال می‌رفت که کسی حتی سازمان صداوسیما یا وزارت ارشاد یا رسانه دیگری آن را نخواهند و اجازه پخش هم نداشته باشد.

یعنی از جیب خودتان هزینه می‌کردید؟

همه هزینه‌ها شخصی بود. یک زمین ارثی از پدر همسرم ارث رسیده بود. ایشان گفتند که من این زمین را می‌فروشم و هزینه این مستند می‌کنیم. اگر جایی هم پخشش نکرد رایگان بگذارش در اینترنت. نهایتا من می‌خواهم این مستند را وقف کنم و علتش همان اتفاق ماورایی بود که عرض کردم. از من انکار و از ایشان اصرار بالاخره با اصرار همسرم کار را شروع کردیم. از همان سال ۹۶ بود که حدود ۴ سال کمتر یا بیشتر، زندگی و شغلم را کنار گذاشتم و از پول همان زمینی که فروخته شده بود هم ارتزاق می‌کردیم و هم این برنامه را تولید می‌کردیم.

وقتی قسمت‌های فصل قبلی و امسال را می‌بینیم متوجه می‌شویم که این برنامه قرار نیست فقط مخاطب را به گریه بیندازد و احساسات مخاطب را هدف قرار دهد و به‌شدت به دنبال تفکر و خردورزی مخاطب است و این نکته مهم و وجه تمایز بزرگی با برنامه‌های مشابه است و نکته دیگر اینکه در این برنامه قرار نیست مرثیه برای مرگ و نیستی خوانده شود و بیشتر در ستایش زندگی و البته زندگی خوب انسانی است تا در ستایش مرگ. یعنی به مخاطب می‌گوید که اگر تو زندگی خوبی اینجا نداشته باشی مرگ خوبی هم نخواهی داشت و این مساله مهمی در برنامه‌سازی و البته سبک زندگی است.

دراواقع پرسش شما پاسخ هم بود. من چیزی به آن نمی‌توانم اضافه کنم چون بسیار عالی دیدید و گفتید. اما در موازات مطلب شما و در تایید آن عرض می‌کنم خیلی اصرار شد که کلمه‌ای از مرگ در عنوان این برنامه باشد. مثلا «زندگی پس از مرگ» یا «مرگ‌های معمولی»، «مرگ موقت» یا همان «تجربه نزدیک به مرگ» و من اصرار شدید کردم که به هیچ‌وجه نمی‌خواهم اسمی از مرگ در عنوان این برنامه باشد.

سال گذشته و بعد از ساخت کامل فصل اول «زندگی پس از زندگی» یکی از دوستان در شبکه ۴ مطلع شد و تماس گرفت که نزدیک ماه رمضان است و برنامه‌ای با حال‌وهوای ماه رمضان می‌خواهیم. الان داری چکار می‌کنی؟ من هم گفتم که چه می‌کنم و تاکنون تصویر حدود ۳۰ نفر تجربه‌گر را گرفتم و در مرحله آخر هستیم. گفت چه جالب ما هم برای ماه رمضان دنبال یک کاری هستیم. صحبت شد و توافق شبکه را گرفتیم و درواقع کار پذیرفته شد. عرض کردم دوستان خیلی اصرار داشتند که کلمه مرگ در عنوان این برنامه باشد اما من به دلایل مختلف مخالفت کردم. مهم‌ترین علتش هم این بود که اساسا هدف من این است که بگویم خود انسان اصلا مردنی است اما بله بخشی از وجود موقت او از او جدا شدنی است ولی این جدا شدن ربطی به مردن ندارد. انسان فناپذیر نیست. علت دوم اینکه شما تا زمانی که نگاه میرنده و میرا به عاقبت خودتان داشته باشید و فکر کنید که من نیست می‌شوم و از بین می‌روم، باعث می‌شود که سبک زندگی‌تان در اینجا به‌شدت مخدوش و خطرناک بشود و زندگی‌تان برای خودتان و دیگران خطرساز بشود. کسی که معتقد است من پایان پذیرم این فرد متوجه است که در آخرین نفسی که از دست می‌رود دیگر همه آنچه را که می‌تواند داشته باشد از دست داده و فرصت برای لذت‌ها، فرصت برای دریافت‌ها و فرصت برای هر چیزی را از دست می‌دهد. پس حیات فعلی خودش را فرصت کوتاهی می‌داند برای اینکه لذت حداکثری ببرد.

> اصلا دنبال این نیستم که مخاطبان برنامه بنشینند پای برنامه و خودکار بردارند و بگویند خب، چند تا از احکام فقهی اسلامی در این برنامه می‌خواهد اثبات بشود یا نشود. ما کار فقهی نمی‌کنیم

با توجه به مواردی که گفتید می‌خواهم بدانم این برنامه قرار است راجع به اخلاق و دین صحبت بکند یا راجع به زندگی و مرگ؟ هدفش چیست و در دسته‌بندی‌های معمول در کدام گروه قرار می‌گیرد؟ دسته‌بندی‌های برنامه‌سازی را عرض نمی‌کنم بلکه در دسته‌بندی‌های علوم مختلف یا حوزه‌های مختلف قرار است راجع به چه چیزی صحبت کند؟ مخاطب قرار است نصیحت بشود یا قرار است صرفا آگاه بشود؟

اگر دقت کرده باشید از نصیحت در ساختار کلی برنامه به‌شدت پرهیز می‌کنیم، یعنی تا جایی که ممکن است پرهیز می‌کنیم

ولی توصیه‌هایی برای مخاطب دارید.

اگر فصل یک را شما ببینید مطلقا نصیحت از جانب مجری نبوده است. اما اگر جایی نصیحتی هست کارشناس عهده‌دارش بوده. در قسمت‌هایی از فصل ۲ و از آنجایی که شبکه در ابتدای کار سفارش‌دهنده بوده نظراتی دارند و یک مقدار کار با نظر جمع بیشتر می‌چرخد. می‌شود گفت تک نظری فصل یک دیگر الان نیست یا دست کم به آن شکل قبل نیست چون آنها کارفرما و به نوعی سفارش‌دهنده کار بودند و هستند و مواردی هم باید لحاظ بشود. اما مجری گاهی شاید در هر چند پلاتو نصیحت‌هایی هم بکند ولی عمده نصیحت‌های من این است که میهمانان را قضاوت نکنند.

اگر مراجعه کنید به آرشیو برنامه می‌بینید که من نصیحت نمی‌کنم و سعی می‌کنم یا فواید این تجارب را بگویم یا اینکه مثلا تجربه‌گر را اذیت نکنید. اما درباره پرسش شما و اینکه اصلا این برنامه هدفش چیست؟ دقیقا من در شناسنامه فصل یک و دو و در بخش اهداف نوشتم که اصلی‌ترین هدف این برنامه اثبات یا کمک به اثبات وجود عالم غیب است. همین بزرگ‌ترین هدف است. می‌خواهم بگویم عالم غیب وجود دارد و چیزی فراتر از عالم غیب وجود دارد و این بخش‌هایی دارد: الف- اینکه در آن عالم غیب ما ادامه داریم. موجودی به نام انسان در آن عالم غیب که کلمه عجیب و غریب و جادویی نیست وجود دارد. غیب یعنی دیده ناشدنی یعنی وجه دیده ناشدنی هستی مثل مادون قرمز مثل ماورا بنفش که اینها وجود دارند ولی با چشم مادی ما آنها را نمی‌بینیم یا سیگنال‌های موبایل که وجود دارند ولی ما با چشم نمی‌بینیم به همین صورت هم خود انسان وجود دارد بعد از اینکه بدنش می‌افتد زمین و دیگر کار نمی‌کند؛ مثل سیگنال موبایل که منتشر می‌شود پس یک مایی وجود دارد در یک عالم فرامادی و ماورا ماده یا غیب. قسمت دوم یا ب- ما هم در آن عالم وجود داریم. قسمت آخر یا ج- آنچه در مدتی که در ماده هستیم انجام می‌دهیم در یک سیستم آینه‌ای بازتابی یا بازخوردی آن در حالت فرامادی کاملا به خودمان برمی‌گردد. این کل ۳ هدف بزرگ و اصلی برنامه است. اینکه حالا در نگاه کلان این برنامه چه فایده‌ای دارد معتقدم اگر مخاطب متوجه بشود که بعد از مردن وجود دارد و نسبت به کارکردها سیستم بازتابشی وجود دارد سبک زندگی‌ها بهینه خواهد شد. خودبه‌خود افراد خودکنترلی خواهند داشت.

و مخاطب این برنامه لزوما باید مذهبی باشد؟

طبیعتا نه. قرار نیست کسی بعد از این برنامه بلند شود و برود احکام فقهی را اجرا کند. داخل پیجم یک خانم ایتالیایی را دیدم که فالوورم شده است. خانمی شاید حدود ۷۰ ساله دیدم قسمت‌های برنامه ما را استوری می‌کند. با ایشان وارد چت شدم و پرسیدم شما کی هستی؟ گفت من در فلورانس ایتالیا هستم و دوستان ایرانی دارم و با برنامه شما آشنا شدم. گفت خیلی متوجه نمی‌شوم ولی سعی می‌کنم از نرم‌افزارهای ترجمه استفاده کنم و کمی متوجه می‌شوم، اما درکل برنامه شما را دنبال می‌کنم و دوستش دارم. می خواهم بگویم که این برنامه و اهداف سه‌گانه‌اش ورای مذهب مخاطب است؛ یعنی اگر یک ارمنی هم الان نشسته باشد پای برنامه در ایران، انتظارمان این است که پس از تماشای برنامه، سبک زندگی او، سلوک او، با خودش و خانواده‌اش و جامعه بهتر بشود، مهربان‌تر بشود. شیعه و سنی و ارمنی و زرتشتی هم ندارد و اصلا ما دنبال این نیستیم که اینها را رد یا اثبات کنیم.

اصلا دنبال این نیستم که مخاطبان برنامه بنشینند پای برنامه و خودکار بردارند و بگویند خب، چند تا از احکام فقهی اسلامی در این برنامه می‌خواهد اثبات بشود یا نشود. ما کار فقهی نمی‌کنیم.

اما کارشناسانی دارید که فقه را می‌شناسند. مثلا شما از آقای خسروپناه دارید استفاده می‌کنید.

آفرین، آقای خسروپناه نگاه فلسفی دارد. فلسفه که ربطی به فقه ندارد. ایشان رئیس ستاد بنیاد فلسفه هستند. پس ایشان کارشناس فلسفه هستند. آقای محمدی هستند که از دریچه کلام نگاه می‌کنند

ادامه در صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۲

و از علم کلام، احادیث نو می‌آورند. سال گذشته ما خاخام اعظم یهودیان ایران را در برنامه‌مان داشتیم. دکتر خورشیدیان، موبد اعظم زرتشتیان ایران را در برنامه داشتیم. آقای نیکولای، رئیس انجمن تحقیقات پژوهشی آلمان بودند که صحبت کردند. ما پارسال ۱۲ کارشناس داشتیم که از این ۱۲ نفر دو نفرشان روحانی بودند.

در برنامه‌هایی شبیه برنامه شما که مردم از خودشان می‌گویند و دیده هم می‌شوند، قطعا به مواردی هم برخوردید که خلاف واقع بوده است. در حوزه صحت‌سنجی و راستی‌آزمایی چه اقداماتی انجام می‌دادید تا مطمئن شوید از گفته‌های آن تجربه‌گر؟

ما بیش از هزار و ۵۰۰ نفر تجربه ابرازی یا ادعاشده را بررسی کردیم و شما دارید ۳۰ تا حدود ۴۰ نفرشان را می‌بینید؛ از هر ۵۰ نفر یک نفر. یعنی ۴۹ نفر رد شده‌اند.

نحوه انتخاب و تعامل با اینها چگونه بوده است؟ خودتان سراغ‌شان رفتید یا آنها آمده‌اند؟

هر دو روشش هست.

از کجا متوجه می‌شوید که کسی درست نمی‌گوید یا قصدش کسب شهرت است؟

ببینید، بحث فقط درست گفتن نیست. بحث این است که اولا بخشی از این تجربه‌ها که در برنامه نیامده درست است. تجربه صحیح است، راستی‌آزمایی هم شده و صحیح هم بوده، اما با مولفه‌های دیگری کنار گذاشته شده است. مثلا عدم تناسب با نیازهای تصویری و صوتی، کمااینکه ما همین امسال هم دو نفر را داشتیم که لهجه خیلی غلیظی داشتند یا لکنت داشتند یا تند صحبت می‌کردند یا کُند.

به‌خاطر حجاب هم کسی حذف شد؟

مردم ایران خودشان همه چیز را بلد هستند. وقتی کسی می‌خواهد برود مصاحبه خودش می‌داند تلویزیون می‌رود و هیچ‌وقت هیچ کس بی‌حجاب یا بدحجاب جلوی دوربین نمی‌رود که ما بخواهیم ردش کنیم. اما عرض می‌کردم همه اینها که داخل برنامه نیامدند این‌طور نبودند که نادرست باشند. برخی از این تجربه‌ها خیلی کوتاه بودند مثلا روح از بدنش خارج شده و دوباره وارد بدنش شده است. خب، این چه فایده‌ای دارد برای برنامه، هیچی.

یعنی جذابیت دراماتیک روایت هم برایتان مهم بوده است؟

بله، ما مواردی را انتخاب می‌کنیم که چندآموزندگی را داشته باشد. یک آموزندگی مشترک که تجربه‌ها دارند، همه اینها این آموزندگی را دارند که عالم غیب وجود دارد و ما در آن عالم ادامه داریم. این دو ویژگی را همه دارند؛ یعنی وجود پس از مرگ و عالم فرامادە. این می‌شود خاصیت مشترک همه‌شان. علاوه‌براین، تجربه‌هایی را باید انتخاب کنیم که آموزه‌هایی هم داخلش باشد. مثلا یک تجربه‌گر می‌گوید من مرور زندگی‌ام را دیدم و متوجه شدم که به دوستم سیلی زده بودم و بعد آنجا دیدم که به‌خاطر آن سیلی چقدر فشار به من وارد می‌شد. خب این یک آموزندگی دارد برای بحث حق‌الناس. یک غربال نهایی ما داریم که ازسوی تجربه‌های صحیح بازمانده، تجربه‌های متناسب و مفید تلویزیون را انتخاب می‌کنیم، مثلا می‌شوند ۵۰ تجربه. خب از این ۵۰ تا یک‌سری را با مولفه‌های دیگری باید کنار بگذاریم مثلا می‌بینی یک نفر لهجه‌اش آنقدر غلیظ است که ما باید تمام برنامه را زیرنویس کنیم. یک‌سری افراد به این شکل باز در مرحله دوم کنار گذاشته می‌شوند.

تجربه‌های نادرست چند دسته می‌شوند؟

یک دسته افراد بیمار هستند که توهم دارند. این افراد متوهم راستگو هستند. ولی این ناشی از آسیب‌های مغزی اوست. مثلا خودش هم سوال دارد و نمی‌داند اینی که دیده خواب بوده یا تجربه مرگ تقریبی. یک دسته دیگر نه بیمار هستند و نه خواب دیده‌اند. اینها دسته خودنما هستند، اینها دروغ می‌گویند و الحمدلله در اقلیت هستند.

کسی بوده که داخل برنامه بیاوریدش و بعدا متوجه بشوید اشتباه بوده یا خودنما بوده؟

چنین موردی نداشتیم، اما امسال فردی بوده که آمده و برنامه‌اش ضبط شده و بعد از ضبط گفته که نمی‌خواهم آن را پخش کنید.

به همین دلیل فقط ۳۰ قسمت ضبط نمی‌کنید و چند قسمت اضافی هم می‌گیرید؟

دقیقا، ما برای اینکه این ریزش اتفاق نیفتد، چند قسمت اضافه می‌گیریم. خصوصا امسال. ما با تجربه‌گر صحبت می‌کردیم و ضبط می‌کردیم و بعد از چندروز خبر می‌آمد که بر اثر کرونا فوت کرده است. چند نفر را ما در مسیر از دست دادیم. چندنفر هم کرونا گرفتند و بعد خوب شدند و آمدند جلوی دوربین. امسال تعداد بیشتری را ضبط کردیم و برای همین در بعضی برنامه‌ها دو نفر میهمان داریم؛ یعنی تعداد حدود ۴۰ نفر هستند، با این حال ممکن است بعد از ماه رمضان هم دو تا سه برنامه دیگر اضافه داشته باشیم.

یکی از نکات مثبت برنامه، ریتم تند و استفاده بجا از موسیقی درکنار تصویر و تدوین صحیح است که البته این نیازمند سلیقه و هوش برنامه‌ساز و عوامل است. اما سوال من درمورد هزینه‌های تولید چنین برنامه‌ای است که آیتم‌های مختلف همراه با تصویربرداری خارج از کشور دارد. این را از این جهت می‌پرسم چون سازمان در این سال‌ها برنامه‌های گرانقیمتی ساخته که اتفاقا از اقبال مخاطب برخوردار نبودند. اما برنامه شما توانسته مخاطب را با خودش همراه کند.

این را براساس شنیده‌های تولید برنامه در تلویزیون می‌گویم که کل بودجه ساخت فصل دوم زندگی پس از زندگی، معادل یا کمتر از یک‌سوم هزینه دکور یکی از برنامه‌های تلویزیونی است. جالب‌تر اینکه بودجه فصل اول که پارسال پخش شد و دوسال و نیم تحقیقاتش طول کشید، کمتر از نصف بودجه همین فصل ۲ بود.

با احتساب برنامه‌سازی این روزهای تلویزیون و باتوجه به حجم کار شما، فکر می‌کنم رقم تولید هر قسمت برنامه شما بیش از صد میلیون تومان برای هر برنامه باشد.

هر قسمت این برنامه ۹۰ دقیقه است. تولیدش هم از رمضان سال قبل شروع شد و تا همین روزها ادامه دارد. یعنی نزدیک یک سال زمان برده و همچنان درحال تدوین کار هستیم. برای این کار ایرانگردی هم داشتم و شرایط کار در ایام کرونا سختی‌ها و ملاحظات خاص خودش را دارد. حتی خودم کرونا گرفتم و به‌دنبالش خانواده هم کرونا گرفتند. با تمام این تفاسیر رقم تولید هر قسمت این برنامه از ۵۰ میلیون هم کمتر شد.

رقم عجیبی به‌نظر می‌رسد و فرآیند تولید چنین برنامه‌ای می‌تواند به‌عنوان یک تجربه برنامه‌سازی موفق در اختیار سازمان قرار بگیرد.

به‌نظر من سازمان باید روش ساخت زندگی پس از زندگی را بررسی کند تا الگوهای مشابهی به‌لحاظ هزینه و چابک‌سازی در فرآیند تولید داشته باشیم. این شکل برنامه‌سازی مناسب شرایط امروز صداوسیما است که گرفتار مشکلات اقتصادی است.

یک دلیلش هم این است که شما نقش‌های متفاوتی را برای یک فرد تعریف کردید. مثلا در تیتراژ می‌بینیم که چند کار را در این پروژه برعهده یک نفر گذاشته‌اید.

این یک نمونه است. ضمن اینکه افرادی که در تیتراژ اسم‌شان آمده، سمت‌های بیشتری دارند و ما تنها چندمورد را در تیتراژ برنامه آوردیم. خود من برای این کار علاوه‌بر نقش تهیه‌کنندگی و اجرا، کار پژوهش، کارگردانی و نویسندگی را هم برعهده داشتم. ضمن اینکه اشعار پایانی برنامه بخشی برای سعدی است و بخشی هم سروده خودم هستند. حالا حساب کنید در تولید برنامه‌های دیگر برای هرکدام از این نقش‌ها و عنوان‌ها، رقم جداگانه در برآورد هزینه درنظر می‌گیرند. یعنی یک نفر هستم که ۶ نقش را اجرا می‌کند. حالا بگذریم که خودم در سفرهای استانی هم به‌عنوان تیم حمل‌ونقل کار می‌کنم و پایه دوربین جابه‌جا می‌کنم که خود این کار را در پروژه‌های دیگر به‌عنوان یک هزینه جداگانه حساب می‌کنند.

حالا اینها را نمی‌شود در تیتراژ گذاشت. این مدل کار فقط مختص من نیست، سایر عوامل گروه هم به این صورت کار می‌کنند. یعنی در پشت صحنه شما با یک تیم پارتیزان، چریک و بسیجی طرف هستید که همه منسجم کار می‌کنند و متعلق و متعهد به کار هستند. متعلق به این معنی که با هم رفیق هستند و کار را با هم پیش می‌بریم. خودم از ابتدای کار با فردی که وارد پروژه می‌شود اتمام حجت می‌کنم که آقاجان عنوان شما در تیتراژ این است، اما اینجا باید همه با هم کار کنیم. سنگ‌ها را از اول کار با آنها وامی‌کَنم و می‌گویم خودم که به‌عنوان تهیه‌کننده و کارگردان کار هستم، هم همین‌طوری کار می‌کنم.

اما این مدل برنامه‌سازی در سازمان مرسوم نیست و اگر بخواهید برنامه دیگری بسازید احتمالا یا آنها با شما به مشکل خواهند خورد یا شما با آنها. برای رفع این مشکل چه می‌کنید؟

برای همین است که نیروی جوان می‌آورم و آموزش می‌دهم. جوان هم خلاقیتش بالاست و هم توقعش پایین است و همین که سابقه کار برایش می‌شود و درکل راضی است. ممکن است بعضی جاها کار لنگ بزنند، اما این لنگ زدن به هزینه‌سازی کل برنامه می‌ارزد. به هرحال ساخت برنامه برای شبکه۴ مناسبات خاص خودش را دارد. شبکه۴ به‌لحاظ بودجه یک مظلومیت خاصی دارد و این به رئیس سازمان یا مدیر قبلی و بعدی‌اش ربطی ندارد. یک مظلومیت تاریخی است. از ابتدای تاسیس نگاه به شبکه۴ این‌گونه بوده است. البته باید بگویم این نگاه از روی غرض‌ورزی نیست و ذاتی شبکه۴ است. شبکه۴ به‌خاطر جنس نخبگانی‌اش، تعداد مخاطب کمتری دارد و منطقی به‌نظر می‌رسد که وقتی مخاطب کمتری دارید، بودجه کمتری هم داشته باشید.

حالا اتفاقی که در ساخت «زندگی پس از زندگی» افتاده این است که با همین فرمولی که گفتم، هزینه‌های تولید را کاهش دادیم. یعنی یک نفر در این پروژه، ۶ نقش را ایفا می‌کند و فقط دستمزد یک نقش را می‌گیرد و این‌گونه هزینه‌ها کاهش پیدا کرده است.

> سازمان باید روش ساخت زندگی پس از زندگی را بررسی کند تا الگوهای مشابهی به‌لحاظ هزینه و چابک‌سازی در فرآیند تولید داشته باشیم. این شکل برنامه‌سازی مناسب شرایط امروز صداوسیما است که گرفتار مشکلات اقتصادی است

> ما بیش از هزار و ۵۰۰ نفر تجربه ابرازی یا ادعاشده را بررسی کردیم و شما دارید ۳۰ تا حدود ۴۰ نفرشان را می‌بینید؛ از هر ۵۰ نفر یک نفر. یعنی ۴۹ نفر رد شده‌اند

چارسو

اعلام نتایج مسابقه بین‌المللی «فلسطین تنها نیست»

Palestine is not alone" Cartoon, Caricature and Poster International Contest
مسابقه بین‌المللی پوستر، کارتون
فلسطین تنها نیست

برگزیدگان نهایی مسابقه بین‌المللی پوستر، کارتون وکاریکاتور «فلسطین تنها نیست»، در مراسمی با حضور رئیس حوزه هنری انقلاب اسلامی معرفی شده و مورد تقدیر قرار گرفتند. به گزارش روابط عمومی حوزه هنری، در این مسابقه بین‌المللی که فراخوان شرکت در آن در مهرماه ۹۹ منتشر شده بود، ۲۵۰۰ هنرمند از ۶۶ کشور جهان شرکت کرده بودند که بعد از انجام مراحل داوری توسط داوران ایرانی و خارجی، ۹ برگزیده نهایی معرفی شده و مورد تقدیر قرار گرفتند. محمد خزایی، عباس ناصری، سعید صادقی، مسعود شجاعی طباطبایی و مسعود ضیایی زردخشویی داوران ایرانی و لوئیس کارلوس فرناندز از برزیل، روسم از مالزی، ایزابلا کوالسکا از لهستان و کریستینا برنازانی از ایتالیا هنرمندان خارجی‌ای بودند که داوری این مسابقه را برعهده داشتند. بنابراین گزارش اسامی برگزیدگان و جوایز آنها به شرح زیر است:

نفرات اول: در این مسابقه، به برگزیدگان رتبه اول در هریک از بخش‌ها، تندیس مسابقه، لوح تقدیر رتبه اول و جایزه نقدی ۲۰۰۰ یورویی تعلق گرفت. بخش کارتون: هیکابی دمیرچی از ترکیه، بخش کاریکاتور: پیام وفاتبار از ایران، بخش پوستر: پویا سرابی از ایران.

نفرات دوم: به برگزیدگان رتبه دوم این مسابقه در هریک از بخش‌ها، تندیس مسابقه، لوح تقدیر رتبه دوم و جایزه نقدی ۱۵۰۰ یورویی تعلق گرفت. کارتون: محمود نظری از ایران، کاریکاتور: علیرضا باقری از ایران، پوستر: ایمان ماندگاری از ایران.

نفرات سوم: به برگزیدگان رتبه سوم این مسابقه در هریک از بخش‌ها، تندیس مسابقه، لوح تقدیر رتبه سوم و جایزه نقدی ۱۰۰۰ یورویی تعلق گرفت. کارتون: رائول فرناندو زولتا از کلمبیا، کاریکاتور: آنتونیو آنتونس از پرتغال، پوستر: زوکایی از چین.

همچنین جایزه ویژه این مسابقه شامل تندیس مسابقه و لوح تقدیر نیز به حنین الحمصی از فلسطین اهدا شد.

جزئیات بازگشایی سینماها از ۱۸ اردیبهشت

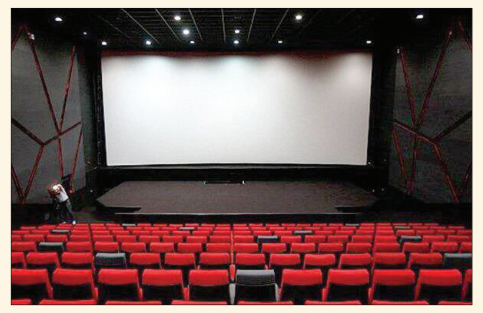

محمدرضا فرجی، مدیرکل نظارت بر عرضه و نمایش فیلم سازمان سینمایی در گفت‌وگویی با مهر درباره بازگشایی سینماها گفت: «باتوجه به مصوبات روز ۱۶ اردیبهشت‌ماه ستاد ملی مقابله با کرونا مبنی‌بر اینکه مشاغل گروه یک و گروه دو در وضعیت قرمز می‌توانند فعال باشند، سینماها هم که جزء ردیف شغلی دو هستند، از روز شنبه ۱۸ اردیبهشت‌ماه بازگشایی خواهند شد. البته هیچ سینمایی از ابتدای همه‌گیری کرونا ملزم به بازگشایی نبوده، بلکه هر سینمایی مایل باشد می‌تواند فعال باشد، مشروط بر اینکه بتواند ضوابط و مقررات مربوط به دوران کرونا را رعایت کند، چون شاید برخی سینماها امکانش را نداشته باشند. باتوجه به اینکه وضعیت همچنان قرمز است، پروتکل‌ها بسیار سفت و سخت‌تر در سینماها اعمال می‌شود و خود ستاد مقابله با کرونا هم رعایت پروتکل‌های بهداشتی را سخت‌تر گرفته است. اگر صنفی فعال باشد و این موارد را رعایت نکند، پلمب می‌شود. قطعا ما هم در سازمان سینمایی گروه‌های ناظر را فعال‌تر و به‌صورت جدی‌تر به این موضوع توجه می‌کنیم. ترکیب فیلم‌ها همان فیلم‌هایی خواهد بود که در اکران نوروزی به نمایش درآمدند و روز یکشنبه این هفته شورای صنفی نمایش در این زمینه تصمیم‌گیری خواهد کرد.» فرجی درباره وضعیت اکران عیدفطر باتوجه به بازگشایی سینماها گفت: «ما باید ببینیم کدام‌یک از تهیه‌کنندگان متقاضی اکران فیلم هستند. به‌نظرم مصوبه اخیر ستاد ملی مقابله با کرونا مصوبه بسیار خوبی است که در وضعیت قرمز هم اگر اصناف به‌طور کامل پروتکل‌ها را رعایت کنند، می‌توانند فعال باشند. از همین‌رو این موضوع به تهیه‌کنندگان انگیزه می‌دهد که به اکران آثار خود بپردازند.» وی همچنین درباره فیلم‌هایی که با تعطیلی سینماها مواجه شدند، توضیح داد: «همان مصوبه سابق ستاد مقابله با کرونای سازمان سینمایی شامل این فیلم‌ها هم می‌شود. شورای صنفی هم این شرایط را برای فیلم‌ها ایجاد می‌کند که مادامی که فیلم‌ها فروش داشته باشند و تهیه‌کنندگان مایل به ادامه اکران باشند، این اتفاق رخ بدهد و سقف نمایش افزایش پیدا کند.»

برگزاری اسکار ایتالیا به‌صورت فیزیکی

مراسم اهدای جوایز دیوید دی دوناتلو ۲۰۲۱ که احتمالا نگاهی خلاقانه به سینمای سال پیش خواهد داشت، هم‌زمان با شروع به‌کار دوباره سینماهای ایتالیا ۱۱ می (سه‌شنبه ۲۱ اردیبهشت) در رم برگزار می‌شود. در میان نامزدهای امسال فیلم زندگینامه‌ای «می‌خواستم پنهان شوم» ساخته جورجیو دریتی درباره آنتونیو لیگابو، نقاش ایتالیایی با ۱۵ نامزدی، «همامت» ساخته جیانی آملیو با ۱۴ نامزدی، «فاولاچی» ساخته دامیانو و فابیو دینوسنزو با ۱۳ نامزدی و «داستان باورنکردنی جزیره رزها» ساخته سیدنی سیبیلا و «خانم مارکس» ساخته سوزانا نیچیارلی با ۱۱ نامزدی بیشترین امید به دریافت جوایز را دارند. در این میان فیلم «خانم مارکس» که درباره زندگی النور دختر کارل مارکس است و «خواهران ماکالوزو» ساخته اما دانته که ۶ نامزدی کسب کرده و داستانش در سیسیل می‌گذرد، فیلم‌هایی هستند که توسط کارگردان‌های زن ساخته شده‌اند و در بخش بهترین کارگردانی امید دریافت جایزه دارند. با این‌حال تاکنون هیچ کارگردان زنی موفق به کسب جایزه بهترین کارگردانی این جوایز نشده است. در میان بهترین کارگردان‌های اول نیز امسال دو کارگردان زن جینورا الکان برای درامی درباره جدایی با عنوان «اگر فقط» و آلیس فیلیپی برای «خارج از لیگ من» نامزد دریافت جایزه شده‌اند. در میانِ پنج نامزد بهترین فیلم مستند نیز دو فیلم ساخته کارگردان‌های زن جای دارند. در بخش بهترین فیلم نیز تاکنون تنها دو فیلم که ساخته کارگردان‌های زن بوده‌اند، در سال‌های ۱۹۹۱ و ۱۹۹۳ موفق به کسب جایزه شده‌اند و انتظار می‌رود امسال در این بخش نیز شانس بیشتری برای کارگردان‌های زن وجود داشته باشد. امسال فیلم «زندگی پیش‌رو» با بازی سوفیا لورن به کارگردانی پسرش ادواردو پونتی در بخش بهترین آهنگ نامزد کسب جایزه است. در بخش بهترین بازیگر زن نیز سوفیا لورن در میان نامزدها جای دارد، اما رقبایی چون آلبا رورواچر برای «پیوندها» در فیلمی به کارگردانی دانیله لوچتی که فیلم افتتاح‌کننده جشنواره فیلم ونیز ۲۰۲۰ بود، حضور دارد. شصت‌وششمین دوره اهدای جوایز اسکار ایتالیا به‌صورت فیزیکی هم‌زمان در دو مکان یعنی مکان استودیوهای تلویزیونی فابریتسیو فریزی رم و اپرای کاپیتال ایتالیا برگزار می‌شود و همه نامزدها در مراسم حضور خواهند داشت و مراسم به‌صورت زنده از شبکه یک «RAI» پخش می‌شود.

مناظره درمورد یک دیدار پرحاشیه

مناظره غیرمستقیم جمال ساداتیان و داریوش بابائیان درباره دیدار پرحاشیه سینماگران با رئیس قوه قضائیه در برنامه سینمامعیار رادیو گفتگو با اجرا و سردبیری امیرعباس صباغ انجام شد. جمال ساداتیان در ابتدای این برنامه گفت: «وقتی دیداری در سطح ملاقات با سران قوه صورت می‌گیرد، کاملا طبیعی است که خبر آن منعکس می‌شود و به‌نظرم چه خوب که این خبر به‌صورت رسمی منتشر شد و افکار عمومی در جریان آن قرار گرفت و در این بین من علت مخالفت خانم طائرپور درباره رسانه‌ای شدن این دیدار را نفهمیدم. از مدت‌ها قبل بسیاری از مطالبات سینماگران از خانه سینما درباره جایگاه سینما، نقش وزارت ارشاد و دخالت‌های خارج از حوزه سینما در تصمیم‌گیری‌ها بود که سرانجام خانه سینما چندماه قبل درخواست ملاقات از آقای رئیسی را مطرح کردند که این تقاضا به ملاقات هفته گذشته منجر شد.» او درمورد انتخاب افرادی که در این جلسه حضور داشتند، گفت: «بخشی از افراد حاضر در جلسه توسط خانه سینما و بخش دیگری توسط قوه قضائیه انتخاب شده بود و هر ترکیب دیگری هم انتخاب می‌شد بازهم عده‌ای به آن ترکیب معترض بودند. ملاقات بسیار مطولی بود که ۲۵ نفر هرکدام ۶ تا ۷ دقیقه صحبت کردند که آخرش به زمان افطار رسید و صحبت‌های رئیس قوه قضائیه بیشتر کلی گویی شد که کاش همکاران کمتر صحبت می‌کردند، اما با این‌حال علاقه‌مندی رئیس قوه قضائیه در ایجاد یک همفکری میان سینماگران و مسئولان قضایی را باید به فال نیک گرفت.» همچنین داریوش بابائیان هم درمورد این دیدار گفت: «اگر هدف از این ملاقات انتخاباتی نبود، باید از قبل رسما اعلام می‌کردند تا افراد دیگری هم در این ملاقات حاضر شوند. درخصوص نحوه گزینش افراد باید بگویم تعدادی اسم‌اند که همیشه هستند و باید باشند و متاسفانه خیلی آدم‌هایی که باید باشند، نیستند.»